



131.2V ✓



دانشگاه پیام نور

واحد مشهد

پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته جامعه شناسی

عنوان :

**بررسی میزان تعاملات در اجتماع علمی دانشکده ادبیات و**

**علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی**

استاد راهنما :

دکتر محسن نوغانی

استاد مشاور :

دکتر مهناز امیرپور

۱۳۸۹/۸/۱۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
تسهیل درک

نگارش :

الهام مهدوی

تابستان ۱۳۸۹

۱۴۵۰۲۷



دانشگاه پیام نور

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۳۸۹ / ۶ / ۲۱

تاریخ: .....  
شماره: ۸۱۰ / ۱۴۹ / ۸۱  
پوست: .....

بسمه تعالی

### صور تجلسه دفاع از پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: بررسی تعاملات در اجتماع علمی دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد که توسط الهام مهدوی تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۹/۶/۲۱      نمره: ..... (۱۹)      درجه ارزشیابی: ..... عالی

اعضای هیأت داوران:

امضاء

مرتبہ علمی

هیأت داوران

نام و نام خانوادگی:

استادیار

استاد راهنما

دکتر محسن نوغانی

استاد راهنمای همکار

استادیار

استاد مشاور

دکتر مهناز امیرپور

استادیار

استاد داور

دکتر نادر صنعتی شرق

گروه آموزشی

استادیار

نماینده گروه آموزشی

دکتر صالح آبادی

مشهد: خیابان امام خمینی ۴۰ - صندوق پستی ۹۱۹ تلفن: ۸۵۲۸۵۲۸ (۰۵۱۱)

دورنگار: ۸۵۲۸۵۲۰ (۰۵۱۱)      پست الکترونیک: mashhad@pnu.ac.ir

تقدیم به :

دستانی که هر زمان طلبیدم یاری ام کردند...

( پدر و مادر بی همتایم )

و خواهر و برادر عزیزم که از آنچه داشتند بیغ نکرده...

و استادان فاضلم که شمع راه ناشناخته ام بودند.

## چکیده:

پژوهش حاضر با هدف سنجش میزان تعاملات در اجتماع علمی دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۸ و عوامل موثر بر آن به انجام رسیده. در روند تحلیل تعاملات در اجتماع علمی با تاکید بر رویکرد شناختی در جامعه شناسی علم و از مباحث روانشناسی اجتماعی و پویایی گروه استفاده شده است. روش تحقیق از نوع پیمایش، ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه ی محقق ساخته و تکنیک جمع آوری داده ها شیوه پرسشگری می باشد. جهت تحلیل داده ها از تحلیل رگرسیون یک متغیره، رگرسیون چند متغیره و آنالیز واریانس متناسب با فرضیات تحقیق استفاده شده است. نتایج این تحقیق که از یک نمونه ی ۱۹۱ نفره، با نمونه گیری طبقه بندی از جامعه آماری ۲۳۷۰ نفری دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد به دست آمد، تعاملات کلی دانشجویان را به میزان ۳/۰۵ واحد (از بازه ی ۰ تا ۵) نشان می دهد که حاکی از سطح متوسط این تعاملات می باشد. نتایج تحلیل دو متغیره نیز نشان داد که انگیزش و انرژی عاطفی، کنشگری دانشجو، ارزیابی از جو گروهی تاثیر مثبت، و طبقه ی اجتماعی دانشجو، سن، سابقه ی دانشجویی، مقطع تحصیلی، رشته ی تحصیلی بومی یا غیربومی بودن دانشجو تاثیر معناداری بر متغیر تابع (تعاملات در اجتماع علمی) ندارد.

## کلید واژگان:

تعاملات، اجتماع علمی، علوم انسانی، تعاملات علمی، تعاملات اجتماعی، جو گروهی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات طرح تحقیق

- ۱-۱- مقدمه ..... ۱
- ۱-۲- بیان مساله ..... ۲
- ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۸
- ۱-۴- اهداف تحقیق ..... ۱۰

### فصل دوم: مباحث نظری

- ۲-۱- مقدمه ..... ۱۱
- ۲-۲- پیشینه ی تحقیق ..... ۱۱
- ۲-۲-۱- پیشینه ی داخلی ..... ۱۱
- ۲-۲-۲- پیشینه ی خارجی ..... ۱۴
- ۲-۲-۳- نقد و بررسی پیشینه ..... ۱۷
- ۲-۳- نظریات مرتبط ..... ۱۹
- ۲-۳-۱- نظریات جامعه شناسی علم ..... ۱۹
- ۲-۳-۱-۱- رویکرد برونگرا ..... ۲۲
- ۲-۳-۱-۲- رویکرد درونگرا ..... ۲۵
- ۲-۳-۱-۳- رویکرد شناختی ..... ۲۶
- ۲-۳-۱-۳-۱- مروری بر نظریات شناختی ..... ۲۸
- ۲-۳-۲- اجتماع علمی و ساختار آن ..... ۳۰
- ۲-۳-۲-۱- تاریخچه اجتماع علمی ..... ۳۴
- ۲-۳-۳- تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی ..... ۳۷
- ۲-۳-۳-۱- تبلور مناسبات اجتماعی در روش علمی ..... ۳۷
- ۲-۳-۳-۲- توافق الگویی در اجتماع علمی ..... ۳۹
- ۲-۳-۳-۳- ارتباطات جامعه پذیری و کنترل اجتماعی در علم ..... ۴۴
- ۲-۳-۳-۴- مذاکره اجتماعی در علم ..... ۵۳
- ۲-۳-۳-۵- فناوریهای اجتماعی ادبی و تجربی ..... ۵۸
- ۲-۳-۳-۶- مراسم تعاملی و انرژی عاطفی و سرمایه ی فرهنگی ..... ۶۱
- ۲-۳-۳-۷- ارتباطات و بهره وری ..... ۶۶
- ۲-۳-۳-۸- فرهنگها و جامعه پذیری دانشجویان ..... ۷۳
- ۲-۳-۳-۹- یادگیری تعاملی ..... ۷۷

- ۱۰-۳-۲- تاثیر ساختار اجتماعی بر خودآثر بخشی دانشجویان ..... ۸۲
- ۱۱-۳-۲- تاثیر جو گروهی بر تعاملات دانشجویان ..... ۸۳
- ۴-۲- تحلیل نظری (تطبيق نظریه ها بر موضوع تحقیق) ..... ۸۴
- ۵-۲- مدل تحلیل ..... ۹۵

### فصل سوم: روش تحقیق

- ۱-۳- روش تحقیق ..... ۹۷
- ۲-۳- واحد و سطح تحلیل ..... ۹۷
- ۳-۳- جامعه آماری ..... ۹۷
- ۴-۳- حجم نمونه ..... ۹۹
- ۵-۳- شیوه ی نمونه گیری ..... ۹۹
- ۶-۳- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها ..... ۱۰۰
- ۱-۳-۶- متغیر وابسته ..... ۱۰۰
- ۲-۳-۶- متغیرهای مستقل ..... ۱۰۴
- ۷-۳- روایی و اعتبار ..... ۱۱۱
- ۱-۳-۷- تحلیل عاملی سازه های مدل تحلیل ..... ۱۱۳
- ۸-۳- روش های آماری تجزیه تحلیل داده ها ..... ۱۲۰

### فصل چهارم: یافته های تحقیق

- ۱-۳- توصیف ویژگی های زمینه ای پاسخگویان ..... ۱۲۱
- ۱-۴-۱- جنسیت ..... ۱۲۱
- ۲-۴-۱- وضعیت تاهل ..... ۱۲۲
- ۳-۴-۱- وضعیت شغلی ..... ۱۲۳
- ۴-۴-۱- بومی یا غیربومی بودن ..... ۱۲۴
- ۵-۴-۱- مقطع تحصیلی ..... ۱۲۵
- ۶-۴-۱- سال ورود به دانشگاه ..... ۱۲۶
- ۷-۴-۱- رشته ی تحصیلی ..... ۱۲۷
- ۸-۴-۱- سن ..... ۱۲۸
- ۹-۴-۱- طبقه ی اجتماعی والدین ..... ۱۲۹
- ۲-۴- توصیف آماری تعاملات در اجتماع علمی و عوامل موثر بر آن ..... ۱۳۱
- ۱-۴-۲- تعاملات ..... ۱۳۱
- ۲-۴-۲- انگیزش و انرژی عاطفی ..... ۱۳۷
- ۳-۴-۲- کنشگری دانشجو ..... ۱۴۰

- ۴-۲-۴- ارزیابی از جو گروهی..... ۱۴۴
- ۴-۲-۵- طبقه ی اجتماعی والدین..... ۱۴۸
- ۴-۳- تبیین تعاملات در اجتماع علمی..... ۱۴۹
- ۴-۳-۱- آزمون فرضیات..... ۱۴۹
- ۴-۳-۲- تحلیل رگرسیون چند متغیری..... ۱۵۲

### فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- ۵- استنباط و تفسیر نتایج..... ۱۵۴



## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۹۸	جدول ۱-۳- مقاطع و رشته های تحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.....
۱۰۱	جدول ۲-۳- گویه های متغیر ارتباطات و تعاملات دانشجو-دانشجو.....
۱۰۳	جدول ۳-۳- گویه های متغیر ارتباطات و تعاملات دانشجو - استاد.....
۱۰۵	جدول ۴-۳- گویه های متغیر انگیزش و انرژی عاطفی.....
۱۰۷	جدول ۵-۳- گویه های متغیر کنشگری دانشجو.....
۱۰۹	جدول ۶-۳- گویه های متغیر ارزیابی از جو گروهی.....
۱۱۰	جدول ۷-۳- گویه های متغیر پایگاه اجتماعی والدین.....
۱۱۲	جدول ۸-۳- میزان قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق.....
۱۱۳	جدول ۹-۳- تحلیل عاملی سازه تعاملات اجتماعی.....
۱۱۴	جدول ۱۰-۳- ماتریس چرخش یافته عامل ها.....
۱۱۵	جدول ۱۱-۳- تحلیل عاملی سازه انرژی عاطفی.....
۱۱۶	جدول ۱۲-۳- ماتریس چرخش یافته عامل ها.....
۱۱۶	جدول ۱۳-۳- تحلیل عاملی سازه جو گروهی.....
۱۱۷	جدول ۱۴-۳- ماتریس چرخش یافته عامل ها.....
۱۱۸	جدول ۱۵-۳- تحلیل عاملی سازه کنشگری دانشجو.....
۱۱۹	جدول ۱۶-۳- ماتریس چرخش یافته عامل ها.....
۱۲۱	جدول ۱-۱-۱-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت.....
۱۲۲	جدول ۲-۱-۲-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت تأهل.....
۱۲۳	جدول ۳-۱-۳-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت.....
۱۲۴	جدول ۴-۱-۴-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت بومی یا غیر بومی.....
۱۲۵	جدول ۵-۱-۵-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت مقطع تحصیلی.....
۱۲۶	جدول ۶-۱-۶-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر وضعیت سال ورود به دانشگاه.....
۱۲۷	جدول ۷-۱-۷-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر رشته تحصیلی.....
۱۲۸	جدول ۸-۱-۸-۴- آماره های توصیفی متغیر سن پاسخگویان.....
۱۲۹	جدول ۹-۱-۹-۴- آماره های توصیفی درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان.....
۱۳۰	جدول ۱۰-۱-۹-۴- آماره های توصیفی بعد خانوار پاسخگویان.....
۱۳۱-۱۳۳	جدول ۱۱-۱-۲-۴- توزیع فراوانی گویه هخای مرتبط با شاخص تعاملات.....
۱۳۶	جدول ۱۲-۱-۲-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر تعاملات در اجتماع علمی.....
۱۳۷	جدول ۱۳-۲-۲-۴- توزیع فراوانی گویه های مرتبط با شاخص انرژی عاطفی.....

- جدول ۱۴-۲-۲-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر انرژی عاطفی..... ۱۳۹
- جدول ۱۵-۲-۳-۴- توزیع فراوانی گویه های مرتبط با شاخص کنشگری دانشجو ..... ۱۴۰-۱۴۱
- جدول ۱۶-۲-۳-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر کنشگری دانشجو..... ۱۴۳
- جدول ۱۷-۲-۴-۴- توزیع فراوانی گویه های مرتبط با شاخص جو گروهی..... ۱۴۴-۱۴۵
- جدول ۱۸-۲-۴-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر ارزیابی از جو گروهی..... ۱۴۷
- جدول ۱۹-۲-۵-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر طبقه اجتماعی..... ۱۴۸
- جدول ۲۰-۳-۱-۴- آزمون همبستگی متغیرهای مستقل با تعاملات اجتماعی ..... ۱۴۹
- جدول ۲۱-۳-۲-۴- مدل خلاصه شده ..... ۱۵۲
- جدول ۲۲-۳-۲-۴- ضرایب رگرسیونی..... ۱۵۲
- جدول ۲۳-۳-۲-۴- متغیرهای خارج شده از مدل رگرسیون..... ۱۵۳

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۰	نمودار ۱-۲- ابعاد مختلف مطالعه در نهاد علم.....
۳۰	نمودار ۲-۲- رابطه ی ارزیابی افراد از موقعیت و فعالیت هایشان.....
۳۳	نمودار ۳-۲- انواع بررسی تعاملات در اجتماع علمی.....
۹۵	نمودار ۴-۲- مدل تحلیل پژوهش.....
۱۲۱	نمودار ۱-۱-۱-۴- توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان.....
۱۲۲	نمودار ۲-۲-۱-۴- توزیع فراوانی وضعیت تاهل پاسخگویان.....
۱۲۳	نمودار ۳-۳-۱-۴- توزیع فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان.....
۱۲۴	نمودار ۴-۴-۱-۴- توزیع فراوانی بومی یا غیربومی بودن دانشجویان.....
۱۲۵	نمودار ۵-۵-۱-۴- توزیع فراوانی مقطع تحصیلی پاسخگویان.....
۱۲۶	نمودار ۶-۶-۱-۴- توزیع فراوانی سال ورود به دانشگاه پاسخگویان.....
۱۲۷	نمودار ۷-۷-۱-۴- توزیع فراوانی رشته ی تحصیلی پاسخگویان.....
۱۲۸	نمودار ۸-۸-۱-۴- آماره های توصیفی سن پاسخگویان.....
۱۲۹	نمودار ۹-۹-۱-۴- آماره های توصیفی میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان.....
۱۳۰	نمودار ۱۰-۱۰-۱-۴- آماره های توصیفی بعد خانوار پاسخگویان.....
۱۳۶	نمودار ۱۱-۱-۲-۴- توزیع فراوانی شاخص تعاملات اجتماعی پاسخگویان.....
۱۳۹	نمودار ۱۲-۲-۲-۴- توزیع فراوانی شاخص انرژی عاطفی پاسخگویان.....
۱۴۳	نمودار ۱۳-۳-۲-۴- توزیع فراوانی شاخص کنشگری پاسخگویان.....
۱۴۷	نمودار ۱۴-۴-۲-۴- توزیع فراوانی شاخص ارزیابی از جو گروهی.....
۱۴۸	نمودار ۱۵-۵-۲-۴- توزیع فراوانی شاخص طبقه ی اجتماعی.....

**فصل اول:**

**کلیات تحقیق**

توسعه‌ی علمی فرایند متوازنی است که کلیه‌ی دانشها را در بر می‌گیرد و در این میان توسعه‌ی علوم انسانی نه تنها اهمیتی فی‌نفسه است بلکه به نظر می‌رسد که این دسته از دانشهای بشری با فراهم کردن چارچوبهای مفهومی و زمینه‌های پژوهشی لازم می‌توانند فرایند توسعه همه‌جانبه و از آن میان توسعه علمی را مورد پشتیبانی نرم‌افزاری قرار دهند. آنچه مسلم است، معرفت و شناخت اگر بخواهد در جامعه کاربرد و یا قابلیت تعمیم داشته باشد، بایستی دارای زیربنای سیستماتیک و مبنایی درست باشد که دستیابی به این امر جز با به‌کارگیری اصول و روشی تاثیرگذار در انتقال و تقویت روحیه تعهد به تعمیق و توسعه شناخت کسب شده ممکن نیست. در جهان امروز آنچه پویایی فضای علم را حیاتی می‌سازد این است که اداره جوامع و برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و تکنولوژیکی همگی به موفقیت محصولات نهاد دانشگاه در کاربرد و توسعه‌ی یافته‌های علمی وابسته است. لذا با پرداختن به عوامل تاثیرگذار بر پویایی این نهاد علمی و تاثیرات آن بر عملکرد دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی (بعنوان نیروهای بالقوه تحقیقات و حل مسایل انسانی) می‌توان آینده روشن‌تری را در بالندگی این رشته‌های بعوضا نوپا و اما ضروری برای علوم انسانی ایرانی ترسیم نمود.

تامل در وضعیت دانش انسانی در جامعه‌ی ایران ما را به دو نکته‌ی مهم دلالت می‌کند: یکی ضعف عقلانیت جمعی، بعنوان مبنای تشخیص مصلحت جامعه و راه‌حل‌ها و پاسخ‌های قابل طرح برای آن، و دیگر عدم تکوین سنت فکری به سبب بروز گسست فکری و علمی. بر همین اساس، هر تلاشی که به روندشناسی و سنخ‌شناسی عوامل موثر بر فرایند شکل‌گیری عقلانیت جمعی با رویکرد پیوند و تداوم جریانهای فکری معطوف باشد مغتنم و متضمن رشد و توسعه‌ی جامعه محسوب می‌شود. در این رهگذر، توسعه‌ی ارتباطات با هدف تجمیع و تکوین عقلانیت جمعی در جامعه‌ی ایران و استنباط پاسخ از بطن این اندیشه، راهبردی اساسی در جریان توسعه‌ی کشور محسوب می‌شود، زیرا اگر بپذیریم که سرنوشت یک جامعه به میزان حصول توانایی و ظرفیت خردورزی یا خردسوزی آن درباره‌ی مسائل خویش بستگی دارد، می‌توان به

اهمیت و الویت تجميع عقول متفرقه و تکوین عقل جمعی، آن هم در حوزه ی دانشی که قرار است برنامه ی توسعه ی یک جامعه را کارسازی کند پی خواهیم برد. اثر حاضر با عنوان "تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی" حاصل پژوهشی است که دغدغه ی اصلی آن بررسی وضعیت توسعه یافتگی و نهادینه شدن رشته های علوم انسانی است، این مجموعه ضمن بررسی مبانی نظری ارتباط تلاش می کند تا از یافته های نظری و تجربی خود راهکارهایی را برای ارتقای وضعیت تعاملات میان کارگزاران علوم انسانی در ایران استنباط کند. موضوع پژوهش حاضر مربوط به پویایی فضای دانشگاه می باشد از این رو متولیان این نهاد و سیاست گزاران امر آموزش و نیز مراکز پژوهشی می توانند از دستاوردهای آن بهره گیرند. همچنین از آنجایی که طرح حاضر برای دانشجویان (که اکثرا در رده سنی جوان قرار میگیرند) پیشنهاد شده است نهادهایی که اهداف پژوهشی آنان بر محوریت جوانان قرار می گیرند نیز می توانند از نتایج حاصله بهره مند گردند. امید است حاصل این پژوهش در ابعاد و لایه های فرهنگ علمی و دانشگاهی زمینه ی، توسعه و نوسازی فرهنگی و اجتماعی را فراهم نماید، و بتواند در فرایند شکل گیری گفتمان بومی متناسب با هویت ملی، ارزش ها نگرش ها، خواسته ها، به طور موثر ایفای نقش کند.

## ۱-۲- بیان مساله

از آنجایی که میزان توسعه یافتگی دانش علمی با سطح، دامنه، تعاملات رویاروی و ارتباطات نهادین بین اصحاب یک رشته رابطه تنگاتنگی دارد (فاضلی، ۱۳۸۴)، بررسی نحوه و میزان تعاملات کنشگران در یک حوزه مطالعاتی از اهمیت شایانی برخوردار می باشد. ارتباطات و تعاملات میان کارگزاران یک رشته را می توان از دو منظر روابط سازمانی- نهادی و نیز تعاملاتی که در یک اجتماع علمی در جریان است؛ مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه از مفهوم اجتماع علمی برای بررسی وضعیت تعاملات در رشته های علوم انسانی استفاده خواهیم کرد چراکه این مفهوم، نهاد علم را فراتر از انتخاب عقلانی و عناصر اندیشیده و سازمانی در پرتو مناسبات اجتماعی عمیق تر، اعتماد، هویت، ارزشها، کنشهای روزمره، همبستگی و انسجام گروهی مورد بررسی قرار می دهد (قانعی راد، ۱۳۷۹: ۲۷)

البته لازم به ذکر است که مفهوم اجتماع علمی در زبان روزمره و ادبیات علمی به معانی متنوعی بکار می‌رود. استام در پژوهش خود نود معنای گوناگون از این واژه در ادبیات علمی پیدا کرده است که به نظر میرسد بسیاری از این معانی وجه مشترک چندانی با همدیگر ندارند (استام، ۱۹۸۵: ۱۰-۱۲). اما این اصطلاح شاید به دلیل همین گستردگی و غنای مفهومی و معنایی خود به مورخان و فلاسفه و جامعه‌شناسان علم کمک کرده پدیده‌ها رخدادها و مناسبات گوناگونی را در دنیای علم با یاری این مفهوم مطالعه و درک کنند.

مفهوم اجتماع علمی را عمدتاً کوهن و مرتن در مطالعات علم گسترش دادند. هاگستروم در جامعه‌شناسی این اصطلاح را تقویت کرد و جامعه‌شناسان خرد نگر علم مثل کالینز، لاتور و تراویک آنرا نقد و اصلاح کردند. (ژاکوب ۱۹۸۷: ۱۶۶). با وجود تفاوت‌های دیدگاهی، آنچه مشخص است همه کسانی که مفهوم اجتماع علمی را به کار می‌برند به طور مشترک عقیده دارند که دانش علمی از رهگذر تعاملات سازنده میان کارگزاران دانش شکل می‌گیرد.

متأسفانه رشته‌های علوم انسانی در ایران با مسایل و مشکلات متعددی مواجه است این مشکلات را چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد و از آن میان مهمترین مسائل را انتخاب کرد؟ برای پاسخ به این سوال مرور آرای استادان و صاحب نظران این رشته ضروری است. عبداللهی (۱۳۷۵) مشکلات و موانع نهاد مندی این علوم در ایران و پیوند آن با جامعه را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف) موانع موجود در سطح کلان: نوع جامعه و نظام اجتماعی، توسعه نیافتگی صنعتی، فقر معیشتی، فشار سیاسی، عدم انسجام جمعی عام مبتنی بر تفاوت‌پذیری‌ها، ضعف جامعه‌ی مدنی و جو فرهنگی و حل نشدن مسایل فلسفی علم در ایران.

ب) موانع موجود در سطح میانی: ضعف نهاد علم و سازمان علمی، ضعف مدیریت علمی، و تمرکزگرایی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی‌های علمی، گزینش دانشجو، تقسیم‌بندی غیر علمی رشته‌ها، و گرایش‌های علوم انسانی، ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی، استاد و دانشجو، دانشگاه و مردم و دانشگاه و مراکز اجرایی.

ج) مسائل و مشکلات موجود در سطح خرد: سختی معیشت صاحبان مشاغل علمی، تدریس اضافی، تحقیق در زمینه های غیر اساسی، رویارویی با مسائل و محرکهای منفی محیط سیاسی- اجتماعی، رضایت شغلی پایین، نداشتن انگیزه و علاقه و تا حدی بی اعتقادی و انفعال اعضای هیات علمی این رشته عا نسبت به رشته ی خود، مسائل مربوط به بی علاقهگی و بی انگیزه بودن اعضای هیات علمی را می توان نوعی ضربه ی درونی برای این رشته ها دانست که از شکل گیری سنت تداوم تجارب جلوگیری می کند. زیرا ورود افراد کم علاقه به این رشته عا - که معمولا از ورود به رشته های دیگر بازمانده اند - نه تنها موجبات تداوم و تشدید مسائل مبتلا به را فراهم می سازد، بلکه درست برخلاف ماهیت و فلسفه این رشته ها عمل می کند.

بر اساس تحلیل فوق رشته های علوم انسانی با سه دسته از موانع و مشکلات ساختاری در سطح کلان، شرایط و عوامل سازمانی در سطح میانی، ویژگی های فردی در سطح خرد مواجه است. بدون شک هر نوع اقدام و پژوهش می تواند کلیه ی این سطوح را مد نظر قرار دهد. عبداللهی در تحلیل خود با فرض نامساعد بودن سطوح کلان و میانی که با سلطه ی قواعدی نامناسب، عرصه ی عمل را بر فرد مقید و محدود می سازد، بازم نقش کنشگر فردی را در تغییر شرایط نادیده نمی گیرد. فرد کنشگر در رشته ی علوم انسانی به نظر وی کسی است که: " به منابع و مبانی بینشی و روش شناسی رشته ی خود اشراف داشته باشد. به رشته ی تخصصی خود عشق ورزد تا مشکلات کار در این رشته را به رغم هزینه ی بالا و پاداش کم با بذل جان و مرجع داشتن ارزش های معنوی و مادی خریدار باشد. خود را نسبت به دانشگاه و سازمان محل کار خود متعهد و مسئول بداند. از کژی ها چشم نپوشد. مسائل درون سازمانی و درون رشته ای خود را مطرح کند و در حل آنها فعالانه مشارکت نماید. به انسان، جامعه و مردم کشورش عشق ورزد و بداند که او باید بیش از هر کس دیگری با مردم مرتبط باشد، آنان را بشناسد و شناخت علمی خود را با الهام از اخلاق مردمی خود در راه خدمت به آنان به کار گیرد".

بین مسائل و موانع موجود در سه سطح کلان، میانه و خرد یا بین سه وضعیت توسعه نیافتگی اجتماعی، سازمانی، و نگرش های رشته ای، روابط تعاملی وجود دارد و این وضعیت های توسعه



نیافتگی در یک چرخه ی معیوب همدیگر را تشدید می کنند و این چرخه ی معیوب بر اثر روابط زیر استمرار می یابد:

۱. مجموعه ی عوامل مربوط به توسعه نیافتگی اجتماعی به عدم رشد سازمانی در رشته های علوم انسانی می انجامد. دو شاخص عمده ی توسعه نیافتگی سازمانی عبارتند از: ضعف مدیریت و ارتباطات، و این دو نیز به نوبه ی خود ناشی از توسعه نیافتگی اجتماعی در سطح کلان هستند. شرایط کلان جامعه همچون عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به صورت مدیریت ناکارآمد و ارتباطات غیر موثر در بین عناصر مختلف، در درون سازمان این رشته ها خود را نشان می دهد.

۲. مشکلات سازمانی بویژه مشکلات مربوط به ارتباطات که موضوع این مطالعه است، خود را به صورت توسعه نیافتگی معرفتی، توسعه نیافتگی انگیزشی و توسعه نیافتگی کنشی در بنین دانشجویان و اعضای هیات علمی رشته های علوم انسانی آشکار می کند. بدین ترتیب مشکلات سازمانی موجود، دانشجویان و استادان رشته های علوم انسانی را با محدودیت ها و موانع متعددی روبه رو می سازد که این امر آنها را از کنشگری موثر باز می دارد.

۳. توسعه نیافتگی رشته ای به توسعه نیافتگی اجتماعی دامن می زند. رشته های علوم انسانی باید به کار توسعه ی اجتماعی بیاید، ولی ناتوانی این رشته ها در زمینه ی طرح، الویت بندی و پژوهش درباره ی مسائل اجتماعی، ما را با توسعه نیافتگی نظری مواجه ساخته و جامعه را از امکان دریافت راه حل های مناسب و مبتنی بر یافته های تحقیقاتی محروم کرده است. این امر علوم انسانی را از رسالت اساسی خود باز می دارد و وضعیت توسعه نیافتگی اجتماعی را تداوم می بخشد توسعه ی علوم انسانی یکی از شاخص های توسعه ی انسانی - اجتماعی است. و از طرف دیگر، توسعه یافتگی علوم انسانی به پیشبرد توسعه ی انسانی و اجتماعی یاری می رساند، هر چند تحقق اهداف توسعه و رشد شاخص های عمده ی آن در ایران مثل رشد عام گرایی، خردگرایی، تحقق عدالت اجتماعی، مردم سالاری و آزادی و گفتگوی آزاد خردمندانانه ی توأم با مشارکت مردمی، می تواند زمینه ی توسعه ی علوم انسانی را فراهم سازد، ولی توسعه علوم انسانی هم می تواند از طریق شناخت دینامیسم و مکانیسم توسعه، زمینه را برای برنامه ریزی

صحيح تر و قابل اجراتر توسعه ي انساني - اجتماعي در ايران فراهم سازد" (عبداللهي، ۱۳۷۶: ۴۸).

رشته هاي علوم انساني در ايران از محدوديت ها و ضعف هاي اجتماعي و سازماني موجود رنج مي برد و به نوبه ي خود، عملکرد آن نيز ضعف هاي مزبور را تشديد مي کند. به عبارت روشن تر رشته هاي علوم انساني مسئول عقب ماندگي هاي موجود هستند و هرچند خود از وضعيت موجود رنج مي برند در نتيجه خود علوم انساني از يك سو مسئول توسعه نيافتگي اجتماعي و از سوي ديگر مسئول توسعه نيافتگي خویش است (عبداللهي، ۱۳۷۶: ۵۰).

مطالب ياد شده بر اين نکته دلالت دارند که انجام بهينه کارکردها و تحقق اهداف نهاد علم وابسته به وجود ارتباطات و تعاملات ميان کنش گران عرصه هاي علمي است. با اين حال دانشگاه هاي ايران از اين بابت با مشکلات جدی مواجه اند. متاسفانه مطالعات انجام شده در ايران در بين دانشجويان و اعضاي هيأت علمي نشان مي دهد که اجتماع علمي قادر به انتقال ارزشها و هنجارهاي علمي به دانشجويان و استادان نيست (ودادهير، ۱۳۷۷). فقدان حداقل ارتباطهاي عادي و نه حتي ارتباطهاي علمي و فکري که لازمه يک محيط آکادميک است، بي تفاوتی و بی علاقتی دانشجويان و تقويت احساس سرخوردگي آنها را در محيط هاي دانشگاهي به دنبال داشته است (بزرگيان، ۱۳۸۱). بزرگيان در ادامه فقدان ارتباطات بين استادان را مورد نقد قرار مي دهد و مي نويسد: "بعضي از معلم هاي ما مقدمات يک رابطه ي عادي دوستانه را از گذشته هاي دور از دست داده اند. و فقدان ارتباطات علمي باعث شده که دروس استادان مختلف تکرار مکررات باشد. وي در ادامه فقدان کنش و تعامل بين دانشجويان و استادان در رشته هاي علوم انساني در سر کلاس هاي درس را به نقد مي گذارد و کلاس هاي فعال و در گير و وجود کنش هاي پيگير ميان دانشجو و استاد را براي ايجاد انگيزه در کلاس ضروري مي داند. وجود تعامل بين دانشجويان نيز از ضرورتهای ديگر برای توسعه ي آموزش است. در حال حاضر: "فرد دانشجو بر سر صندلي خشک و چوبي خود که محکم به زمين پيچ شده تنها و تنها با استاد که روبه روي او ايستاده است در ارتباط است او حتي نمي تواند با بقيه ي دانشجويان رابطه ي متعارف ايجاد کند و عموماً پشت سر همکلاسي هایش را مي بيند که اصلاً در اين راه کمکي به او نمي کند، در

حالیکه برای بهبود فضای آموزش دانشجویان باید با یکدیگر و با استاد به ستیزی خود بنیاد برسند.

این وضعیت در رشته های علوم انسانی بارزتر می باشد چراکه در سطح صاحب نظران این رشته نیز با فقدان توافق و اجماع، شاهد کاهش سطح گفتگو و تبادل نظر آنها هستیم. فضای توجهات و علایق نظری روش شناختی و موضوعی صاحب نظران ما با همدیگر تفاوت دارد لذا زبان مشترکی برای گفتگو و تبادل آرا وجود ندارد و استمرار این وضعیت به معنای تداوم توسعه نیافتگی علوم انسانی در ایران است. علوم انسانی در ایران فاقد مجموعه ای از هنجارهای شناختی و اجتماعی است که مبنای توافق و اجماع باشد و اعضای اجتماع علمی را بهم پیوند دهد و شناختها و رفتارهای آنان را انسجام و جهت بخشد (عبداللهی، ۱۳۷۵). همچنین عدم توافق و ارتباط سازنده در عرصه این علوم سبب کاهش انگیزه برای فعالیت علمی در این رشته ها شده است به نحوی که با وجود فراخوانهای متعدد طرح های پژوهشی و برگزاری همایش ها و حتی الزام اساتید از طریق تکالیف درسی بازم تمایل برای کار علمی پایین می باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸).

در حال از آنجایی که مطالعات انجام شده از این اندیشه حمایت میکند که تعاملات رضایت بخش در دانشگاه ها، بر یادگیری دانشجویان و فعالیت مدنی آنها اثرگذار می باشد، در این مطالعه به دنبال پاسخ گویی به دو پرسش زیر می باشیم:

- ✓ وضعیت تعاملات<sup>۱</sup> در اجتماع علمی<sup>۲</sup> رشته های علوم انسانی<sup>۳</sup> دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی دانشگاه فردوسی چگونه است؟
- ✓ عوامل اجتماعی موثر بر میزان و نحوه تعاملات در اجتماع علمی رشته های علوم انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی چه می باشند؟

---

<sup>۱</sup> Interaction  
<sup>۲</sup> Scientific Community  
<sup>۳</sup> Humanities

### ۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه مسایل اجتماعی از چنان پیچیدگی برخوردارند که بدون آگاهی و تجهیز به دست آوردهای علمی نمی توان راه به شناخت و بررسی اینگونه مسایل برد در واقع "دستیابی به توسعه پایدار بدون آموزش و از طریق تربیت دانش آموختگان و جامعه پذیری علمی به فعل در نمی آید. این امر نیز از طریق برقراری تعاملات سازنده در یک اجتماع علمی امکان پذیر است" (هاگستروم، ۱۹۷۵: ۴۶). متأسفانه در ایران اجتماعات علمی پویا و سازنده نمی باشند که حاصل آن دانشی شی شده و از خودیگانه است (قانعی راد، ۱۳۸۵).

کشور ما به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، بدلیل دوران گذار ناشی از پشت سر گذاشتن نظام سنتی و پیش رو داشتن نظام صنعتی و مدرن، دارای مسائل و مشکلات خاص این کشورها بوده، مسلماً از وظایف دانش آموختگان علوم اجتماعی و پژوهشگران است که مسائل را با دقت شناسایی نموده و برای مدیران و تصمیم گیران اجتماعی رهنمودهای لازم را فراهم آورند (جهانبخش، ۱۳۸۶). امادر روابط بسیار پیچیده زندگی اجتماعی و تغییرات مداوم جوامع انسانی با نگاهی به این پایگاه حساس اجتماعی که برای فارغ التحصیلان گرایشات علوم انسانی مورد انتظار است در می یابیم که عدم برنامه ریزی مناسب و توجه اندک به مسائل موجود در بین این فارغ التحصیلان در محیط دانشگاه تا چه اندازه می تواند به ضرر جامعه تمام می شود.

حال اگر وظیفه ی نهادهینه ساختن از طریق پژوهش و تحقیق در امتداد نشر دانش و تربیت نخبگان را بر عهده ی دانشگاهها بدانیم، در می یابیم که منهای ظواهر موجود که بیشتر در آموزش خلاصه شده است در بین دانشجویان تمامی مقاطع رکود و بی تحرکی خاصی از جهت تولید علمی حاکم است. این امر بخصوص در رشته های علوم انسانی بطرز نگران کننده ای شیوع یافته، با وجود برگزاری همایش های مختلف و حتی الزام از طریق تکالیف کلاسی بازهم بیشتر پروژه ها، ضعیف و بدون مبنای علمی و گاهارونویسی از سایر کارهای انجام شده است. پروژه های پایان نامه ای بسیاری در مسائل مختلف اجتماعی به انجام می رسند، بدون اینکه هیچ کاربرد علمی و عملی برای جامعه داشته باشند. هیچ ایده ی نویی از سوی این دانشجویان